



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته‌ی فلسفه - منطق

تقریر ابن سینا از منطق موجهات ارسطو

محبت السادات نجفی شوشتری

استاد راهنما

جناب آقای دکتر ذکیانی

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر نباتی

بهمن 1389

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: تقریر ابن سینا از منطق موجهات ارسطو
نویسنده / محقق: محبت السادات نجفی شوشتری
مترجم: محبت السادات نجفی شوشتری
استاد راهنما: دکتر غلامرضا ذکیانی استاد مشاور/استاد داور: دکتر فرشته نباتی / دکتر علی اکبر احمدی
کتابنامه: دارد واژه نامه: دارد
نوع پایان نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: 1389
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجه
تعداد صفحات: 237 گروه آموزشی: فلسفه
کلید واژه به زبان فارسی: ارسطو - ابن سینا - موجهات - امکان عام - امکان خاص - ضرورت
کلید واژه به زبان انگلیسی: Aristotle – Avicenna – modality- possibility – contingency - necessary

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

از شاهکارهای ارسطو کار وی در باب قیاس است. ارسطو پس از بیان نظام قیاس‌های مطلقه‌ی خود نظامی هم برای قیاس‌های موجهه ارائه کرده است. برخلاف نظام قیاس‌های مطلقه‌ی او که مورد پذیرش بی‌چون و چرای منطقیون بود در مورد تحلیل ارسطو از قضایای موجهه‌ی او همواره اختلاف نظر وجود داشته است. در میان مسلمین توجه قابل ملاحظه‌ای نسبت به موجهات وجود داشته است. به طور مثال ابن‌سینا قیاس‌های موجهه را به تفصیل بیان کرد و یکی از کندوکاوها و بسط و گسترش‌های بی‌سابقه‌ای که وی در منطق انجام داد همین بحث قیاس‌های موجهه و به طور کلی تقسیم قضیه به حسب جهت است منطق ارسطویی به جهت هماهنگی با متافیزیک گریزی از طرح موجهات ندارد از این رو هم ارسطو و هم ابن‌سینا بحث موجهات را به صورت جدی مورد بررسی قرار داده‌اند. اهمیت این بحث به حدی است که بدون پرداختن به آن منطق ارسطویی ناقص و ناتوان است.

از سوی دیگر بحث موجهات از همان آغاز با مشکلات مهمی روبه رو بوده است. از مهم‌ترین این مشکلات می‌توان به این نکته اشاره کرد که امکان به چند معنا به کار برده می‌شود ولی برای هر کدام اصطلاحی خاص وضع نمی‌شود. این قبیل مشکلات سبب شده است که بحث موجهات به ویژه در قرون اخیر مورد کم‌توجهی منطق‌دانان قرار بگیرد از این رو لازم است این بحث را با توجه به متون اصلی (ارغنون و اشارات) مورد تحلیل قرار دهیم.

هدف از این کار تحقیقی شرح موجهات ارسطو و ابن‌سینا و با تطبیق این دو منطق مشخص شود ابن‌سینا تا چه اندازه توانسته است مشکلات موجهات ارسطو را مرتفع کند.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع و چهارچوب نظری و پرسشها و فرضیه‌ها:

در این پایان‌نامه ضمن ترجمه و تفسیر تمام بخش‌های موجهات ارسطو (در دو بخش العبارة و تحلیل

اول) و ابن سینا (کتاب اشارات) کوشش شده است تا آراء این دو فیلسوف در حوزه‌ی موجهات تحلیل گردد.

سوالات تحقیق:

1- اشکالات منطق موجهات ارسطو از نظر ابن سینا چیست؟

2- آیا ابن سینا توانسته است اشکالات منطق ارسطویی را رفع و رجوع کند؟

فرضیات تحقیق:

پاسخ سوال 1:

به چند مورد از اشکالات به طور مختصر ذکر می‌شود.

1- نقیض گزاره‌ی مطلقه را گزاره‌ی مطلقه می‌داند.

2- برای دو معنی امکان اصطلاح ویژه‌ای اختصاص نمی‌دهد برای همین در قیاسات فهم موضوع مشکل می‌شود.

3- عکس گزاره‌های ضروری را گزاره‌های ضروری می‌داند.

پاسخ سوال 2:

ابن سینا با تفکری دقیق در خصوص موجهات توانسته است مشکلات منطق موجهات ارسطو را رفع و رجوع کند به طور مثال:

1- با تعریف درست قضیه‌ی مطلقه قائل است که مطلقه از جنس خود نقیض ندارد مگر به دو حيله.

2- ابن سینا در همه‌جا هم در قیاسات و هم در غیر آن دو معنی امکان را با اصطلاحات خاص از هم تفکیک می‌کند.

3- عکس همه‌ی گزاره‌های ضروری را ضروری نمی‌داند بلکه عکس گزاره‌ی سالبه‌ی کلیه‌ی ضروری، سالبه‌ی کلیه‌ی ممکن عام می‌داند.

پ. روش تحقیق شامل مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روشهای نمونه‌گیری،

ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

برخی از مفاهیم کلیدی عبارتند از: امکان عام، امکان خاص، ضرورت، موجهات.

با تحلیل و تبیین دقیق مفاهیم، کلید واژگان در سیاق متن و کوشش برای پیوند دادن این اصطلاحات به

شیوه‌ای مبتنی بر استدلال به تجزیه و تحلیل این مفاهیم پرداخته شده است.

روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر تحلیل متون ارغنون و اشارات و تنبیهات است.

ت. یافته‌های تحقیق:

در این پایان‌نامه در فصل سوم در 12 مورد دو منطق‌دان را باهم مقایسه کرده و مشکلات ارسطو در

حیطه موجهات را ذکر و پاسخ ابن‌سینا بر این اشکالات را مطرح کردیم.

ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

نظر به اینکه تاکنون تحقیق جامعی در باب موجهات ارسطو و ابن‌سینا صورت نگرفته است و نظر به

اهمیت و نفوذ نظرات این دو منطق‌دان در میان اندیشمندان بعدی به نظر می‌رسد انجام چنین پژوهشی

در زبان فارسی شایان توجه است. در نهایت می‌توان گفت انجام این پایان‌نامه می‌تواند مقدمه‌ای برای

انجام پژوهشی جامع‌تر باشد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌-

نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رییس کتابخانه:

تقدیم به

مادرم

که پیوسته مشوق و همراه بنده در همه‌ی مراحل زندگی هستند

سپاس‌گزاری و قدردانی:

خداوند متعال را سپاس می‌گزارم که در نگارش این پایان‌نامه الطافش را از من دریغ ننمود. هم‌چنین برخورد لازم می‌دانم بخشی از دیون خود را به بزرگوارانی که مرا در این امر یاری نموده‌اند اعلام و بدین وسیله از آنان صمیمانه قدردانی نمایم.

از استاد عالیقدر جناب آقای غلامرضا ذکیانی که به عنوان استاد راهنما در طی بیش از دو نیمسال تحصیلی با بذل توجه و دقت تمام زحمتهای فراوانی را بر عهده گرفتند و ضمن مطالعه‌های تقریرهای پیشین طی جلسات متعدد پیوسته با پیشنهادات و انتقادات و تفسیرهای ارزنده خویش مایه دلگرمی و انگیزه در من بوده‌اند کمال تشکر را دارم.

از استاد ارجمند سرکار خانم فرشته نباتی که به عنوان استاد مشاور در طی تمام دوره‌ی مهیا کردن این پایان‌نامه وقت شریفشان را با صبر و حوصله‌ی بسیار صرف مطالعه‌ی ویرایش‌های ماقبل نهایی نمودند و توصیه‌ها و مطالبی سودمند و ارزشمند را به من خاطر نشان نموده عمیقاً سپاس‌گزاری می‌نمایم.

با سپاسی دوباره از تمامی این بزرگواران

محبت السادات نجفی

بهمن 1389

چکیده:

از شاهکارهای ارسطو کار وی در باب قیاس است. ارسطو پس از بیان نظام قیاس‌های مطلقه خود نظامی هم برای قیاس‌های موجهه ارائه کرده است. برخلاف قیاس‌های مطلقه‌ی او که مورد پذیرش بی چون و چرای منطقیون بود در مورد تحلیل ارسطو از قیاس‌های موجهه او همواره اختلاف نظر وجود داشته است. در میان مسلمین ابن‌سینا در خصوص قیاس‌های موجهه به تفصیل سخن گفته است. در این پایان‌نامه ضمن ترجمه و تفسیر تمام بخش‌های موجهات ارسطو (در دو بخش العبارة و تحلیل اول) و ابن‌سینا (اشارات و تنبیهات) کوشش شده است تا آراء این دو منطق‌دان در حوزه‌ی موجهات تحلیل گردد و با تطبیق آن دو مشخص شود که مشکلات منطق موجهات ارسطو چیست و ابن‌سینا تا چه اندازه توانسته است مشکلات منطق موجهات ارسطو را رفع و رجوع کند. ارسطو در حیطه‌ی موجهات دارای اشکالاتی است که از مهم‌ترین آنها در حوزه‌ی عکس و نقض جهات است که ابن‌سینا با تعریف درست از جهات مشکلات را مرتفع می‌کند. واژگان کلیدی: ارسطو - ابن‌سینا - موجهات - امکان عام - امکان خاص - ضرورت

فهرست مطالب:

عنوان.....صفحه

1.....مقدمه

فصل اول :منطق موجهات ارسطو

8.....1- بخش اول: کتاب العبارة.....

8.....1-1 ترجمه فصل 9.....

12.....1-1-1 شرح فصل 9.....

16.....1-2 ترجمه فصل 12.....

19.....1-2-1 شرح فصل 12.....

21.....1-3 ترجمه فصل 13.....

26.....1-3-1 شرح فصل 13.....

30.....2- بخش دوم: کتاب تحلیل اول.....

30.....2-1 ترجمه فصل 3.....

31.....2-1-1 شرح فصل 3.....

34.....2-2 ترجمه فصل 8.....

35.....2-2-1 شرح فصل 8.....

40.....2-3 ترجمه فصل 9.....

42.....2-3-1 شرح فصل 9.....

45.....2-4 ترجمه فصل 10.....

47.....2-4-1 شرح فصل 10.....

50.....2-5 ترجمه فصل 11.....

52.....	11	2-5-1 شرح فصل
58.....	12	2-6 ترجمه فصل
59.....	12	2-6-1 شرح فصل
59.....	13	2-7 ترجمه فصل
62.....	13	2-7-1 شرح فصل
64.....	14	2-8 ترجمه فصل
66.....	14	2-8-1 شرح فصل
71.....	15	2-9 ترجمه فصل
77.....	15	2-9-1 شرح فصل
87.....	16	2-10 ترجمه فصل
91.....	16	2-10-1 شرح فصل
97.....	17	2-11 ترجمه فصل
100.....	17	2-11-1 شرح فصل
102.....	18	2-12 ترجمه فصل
104.....	18	2-12-1 شرح فصل
109.....	19	2-13 ترجمه فصل
112.....	19	2-13-1 شرح فصل
116.....	20	2-14 ترجمه فصل
118.....	20	2-14-1 شرح فصل
122.....	21	2-15 ترجمه فصل

123.....	2-15-1 شرح فصل 21
128.....	2-16 ترجمه فصل 22
130.....	2-16-1 شرح فصل 22

فصل دوم: منطق موجّهات ابن سینا

1- بخش اول: نهج چهارم..... 133

133.....	1-1 فصل 1: ماده‌ی قضایا.....
135.....	1-2 فصل 2: جهات قضایا و فرق بین قضیه‌ی مطلقه و قضیه‌ی ضروری.....
140.....	1-3 فصل 3: معانی امکان.....
142.....	1-4 فصل 4: اصول و شروط جهات.....
146.....	1-5 فصل 5: موجبه‌ی کلیه در موجّهات.....
151.....	1-6 فصل 6: سالبه‌ی کلیه در موجّهات.....
153.....	1-7 فصل 7: موارد هماهنگی و ناهماهنگی جهت و حمل.....
154.....	1-8 فصل 8: دو قضیه‌ی جزئی در جهات.....
158.....	1-9 فصل 9: تلازم موجّهات.....
159.....	1-10 فصل 10: وهم و تنبیه.....

2- بخش دوم: نهج پنجم..... 160

160.....	2-1 فصل 1: کلام کلی در تناقض.....
166.....	2-2 فصل 2: تناقض قضایای مطلق و وجودی.....
172.....	2-3 فصل 3: تناقض سایر قضایای وجهه.....
174.....	2-4 فصل 4: عکس مطلقات.....

182.....2-5 فصل 5 : عكس قضايای ضروری.....

183.....2-6 فصل 6 : عكس قضايای ممکنه.....

186.....3- بخش سوم : نهج هفتم.....

186.....3-1 فصل 4 : شكل اول.....

198.....3-2 فصل 5 : شكل دوم.....

206.....3-3 فصل 6 : شكل سوم.....

207.....فصل سوم: تطبيق موجهاات ارسطو و ابن سینا.....

234.....کتابنامه.....

235.....کتاب شناسی.....

236.....واژه نامه.....

237.....چکیده انگلیسی.....

مقدمه:

۱- اهمیت موضوع:

از هنگامی که آدمی به اندیشه و تفکر پرداخته است روشی در بحث و کاوش خود به کار برده است که از منطق تکوینی الهام می‌گرفته است. پس قبل از ارسطو^۱ متفکرانی بودند که درباره‌ی قوانین منطق و ضوابط اندیشه سخنانی گفته باشند از جمله سقراط^۲ و افلاطون^۳ اما از لحاظ تاریخی ارسطو نخستین دانشمندی است که مباحث پراکنده‌ی منطق را یکجا جمع کرد و تقسیمات و فصول و ابواب آن را مدون ساخته است.

نوشته‌های ارسطو در باب منطق در مجموعه‌ای به نام ارگانون^۴ گردآوری شد که شامل ۶ بخش مقولات (Categories) - قضایا یا العبارة (De-Interpretatione) - قیاس یا تحلیل اول (Prior Analytics) - برهان یا تحلیل دوم (Posterior Analytics) - جدل (Topics) - مغالطه (Elenchis) است.

ارسطو دو رساله‌ی دیگر هم دارد که در حکم متمم منطق است: ۱- فن خطابه (Rhetoric) ۲- فن شعر (Poetics). بعدی‌ها این دو قسمت را هم نیز به عنوان جز ارگانون ارسطو محسوب کردند. بعد نیز فروریوس صوری^۵ ایساغوجی (Isagoge) را به عنوان مقدمه‌ی مقولات تدوین کرد. آنچه بدست حکیمان اسلامی رسید منطق ۹ بخشی ارسطو بود.

با ظهور اسلام در مشرق زمین تحول علمی - فرهنگی مهمی برپا شد و در حوزه‌ی تمدن اسلامی نهضت ترجمه به وجود آمد. (قرن ۲ هجری)

1-Aristotle(322-384 B.C.)

2-SOCRATES(399-469 B.C.)

3-PLATO(347-427 B.C.)

4-ORGANON^۴

5-Porphyre tyrien(232- 305)

مسلمانان پس از فتح سوریه و عراق از طریق مراکز علمی انطاکیه^۱ و ادسا^۲ و نصیبین^۳ که از آن فرقه‌های مسیحی بود با تعالیم یونانیان آشنا شدند. این دانشمندان مسیحی عرب‌زبان بخش‌های ۹ بخشی کتاب ارگانون ارسطو را از زبان سریانی به زبان عربی ترجمه کردند.

در اواخر قرن ۹ و ۱۰ میلادی منطق منحصر در مدرسه‌ی بغداد بود که بنیان‌گذاران و مدرسان این مدرسه از جمله ابوبشر متی بن یونس (۲۵۴-۳۲۴) از مسیحیان سوری بودند.

ابوبشر اولین ترجمه‌ی عربی از کتاب‌های تحلیل اول و فن شعر ارائه نمود.

در سال ۳۶۴ هجری خلاق‌ترین منطق‌دان جهان اسلام چشم به جهان گشود. وی از طریق مدرسه‌ی بغداد^۴ با افکار ارسطو آشنا می‌شود. قبل از ابن‌سینا^۵ همه به شرح و تفسیر آراء ارسطو می‌پرداختند. ابن‌سینا اولین کسی است که به ابداع و نوآوری‌هایی در منطق می‌پردازد. وی منطق ارسطو و رواقیون^۶ را به خوبی درک می‌کند و آنها را هضم می‌کند و سپس در مورد آنها تفکر می‌کند و حرف‌های جدیدی اضافه می‌کند و ابداعات و نوآوری‌های جدید می‌آورد و به خاطر همین ابداعات است که در منطق از مکتب سومی به نام مکتب سینوی^۷ (مکتبی که ابن‌سینا آغاز و توسط شاگردان و پیروان او بسط و تکمیل پیدا می‌کند) نام می‌بریم.

از شاهکارهای ارسطو کار وی در باب قیاس است. ارسطو پس از بیان نظام قیاس‌های مطلقه‌ی خود نظامی هم برای قیاس‌های موجهه^۸ ارائه کرده است. اندیشه‌های موجهه قبل از ارسطو نیز وجود داشته است ولی سابقه‌ی تدوین منطق موجهات به ارسطو می‌رسد.

1-ANTIOCH

2-EDESSA

3-NISIBI

4-SCHOOL OF BAGHDAD

5-AVICENNA(1037-980)

6-STOICS

7-AVECENNAN SCHOOL

8-MODAL SYLLOGISMS

برخلاف نظام قیاس‌های مطلقه‌ی او که مورد پذیرش بی‌چون و چرای منطقیون بود در مورد تحلیل ارسطو از قضایای موجهه‌ی او همواره اختلاف نظر وجود داشته است. در میان مسلمین توجه قابل ملاحظه‌ای نسبت به موجهات وجود داشته است. به طور مثال ابن‌سینا قیاسهای موجهه را به تفصیل بیان کرد و یکی از کندوکاوها و بسط و گسترش‌های بی‌سابقه‌ای که وی در منطق انجام داد همین بحث قیاس‌های موجهه و به طور کلی تقسیم قضیه به حسب جهت است.

ارسطو در مواضع مختلفی از آثار خود درباره‌ی موجهات سخن گفته است از جمله در ۱- العبارة ۲- تحلیل اول ۳- مابعدالطبیعه^۱

ابن‌سینا در سه کتاب خود شفاء، اشارات و تنبیها^۲، نجات از موجهات سخن رانده است. شفاء بیشتر شرح ارگانون ارسطو است گرچه نوآوری‌هایی هم در آن یافت می‌شود اما کتاب اشارات و تنبیها^۲ چکیده‌ی آخرین پژوهش‌های وی در حوزه‌ی منطق و فلسفه است.

منطق ارسطویی به جهت هماهنگی با متافیزیک گریزی از طرح موجهات ندارد از این رو هم ارسطو و هم ابن‌سینا بحث موجهات را به صورت جدی مورد بررسی قرار داده‌اند. اهمیت این بحث به حدی است که بدون پرداختن به آن منطق ارسطویی ناقص و ناتوان است.

از سوی دیگر بحث موجهات از همان آغاز با مشکلات مهمی روبه‌رو بوده است. از مهم‌ترین این مشکلات می‌توان به این نکته اشاره کرد که امکان به چند معنا به کار برده می‌شود ولی برای هر کدام اصطلاحی خاص وضع نمی‌شود. این قبیل مشکلات سبب شده است که بحث موجهات به ویژه در قرون اخیر مورد کم‌توجهی منطق‌دانان قرار بگیرد از این رو لازم است این بحث را با توجه به متون اصلی (ارغنون و اشارات) مورد تحلیل قرار دهیم.

¹-METAPHYSICA

²-AL-ISARAT WA-LTANBIHT

در خصوص موجّهات ارسطو تا آنجا که بنده اطلاع دارم کاری انجام نشده است و اگر هم کاری انجام شده است در حیطه‌ی شارحین موجّهات ارسطو است نه خود منبع دست اول ارسطو (ارغنون). در باب کل موجّهات ابن‌سینا کاری انجام نشده است بلکه موضوعی کار شده است. (از قبیل جهت سور و جهت حمل)

هدف از این کار تحقیقی شرح موجّهات ارسطو و ابن‌سینا و با تطبیق این دو منطق مشخص شود ابن‌سینا تا چه اندازه توانسته است مشکلات موجّهات ارسطو را مرتفع کند.

۲- روش تحقیق:

در این پایان‌نامه ضمن ترجمه و تفسیر تمام بخش‌های موجّهات ارسطو (در دو بخش العبارة و تحلیل اول) و ابن‌سینا (کتاب اشارات) کوشش شده است تا آراء این دو فیلسوف در حوزه‌ی موجّهات تحلیل گردد.

در این کار تحقیقی از هیچ شرحی استفاده نشده است چون قصد این بود که بدون هیچ پیش فرضی و بدون هیچ شرحی مطالب دو منطق‌دان در حوزه‌ی موجّهات بازخوانی شود.

روش تحقیق در این پایان‌نامه مبتنی بر تحلیل محتوای متون ارغنون و اشارات است.

سوالات تحقیق:

۱- اشکالات منطق موجّهات ارسطو از نظر ابن‌سینا چیست؟

۲- آیا ابن‌سینا توانسته است اشکالات منطق ارسطویی را رفع و رجوع کند؟

فرضیات تحقیق:

پاسخ سوال ۱:

به چند مورد از اشکالات به طور مختصر ذکر می‌شود.

۱- نقیض گزاره‌ی مطلقه را گزاره‌ی مطلقه می‌داند.

۲- برای دو معنی امکان اصطلاح ویژه‌ای اختصاص نمی‌دهد برای همین در قیاسات فهم موضوع مشکل می‌شود.

۳- عکس گزاره‌های ضروری را گزاره‌های ضروری می‌داند.

پاسخ سوال ۲ :

ابن سینا با تفکری دقیق در خصوص موجهات توانسته است مشکلات منطق موجهات ارسطو را رفع و رجوع کند به طور مثال:

۱- با تعریف درست قضیه‌ی مطلقه قائل است که مطلقه از جنس خود نقیض ندارد مگر به دو حيله.

۲- ابن سینا در همه‌جا هم در قیاسات و هم در غیر آن دو معنی امکان را با اصطلاحات خاص از هم تفکیک می‌کند.

۳- عکس همه‌ی گزاره‌های ضروری را ضروری نمی‌داند بلکه عکس گزاره‌ی سالبه‌ی کلیه‌ی ضروری، سالبه‌ی کلیه‌ی ممکن عام می‌داند.

فصل‌های این پایان‌نامه به ترتیب حاوی این مطالب است:

فصل اول این پایان‌نامه به موجهات ارسطو اختصاص دارد. آقای ادیب سلطانی در کتاب ارغنون ارسطو بخش موجهات را ترجمه کرده‌اند ولی به علت مشکل فهم بودن این ترجمه در ابتدا ترجمه‌ای روان‌تر انجام شد و بعد شرح داده شد. مبنای کار ترجمه بر اساس کتاب راس است و در مواردی که با ابهام مواجه می‌شدیم به ترجمه‌ی عربی مراجعه می‌کردیم.

فصل دوم به موجهات ابن‌سینا تعلق دارد چون ترجمه کتاب اشارات وجود داشت در این فصل فقط به شرح پرداخته شده است.

در فصل سوم به صورت موردی به تطبیق دو منطق‌دان پرداخته شده است.

فصل اول

موجهات ارسطو

۱- بخش اول: کتاب العبارة

۱-۱ ترجمه فصل ۹

در مورد اموری که اکنون موجود هستند یا قبلاً اتفاق افتاده‌اند - خواه ایجابی، خواه سلبی - گزاره‌ها باید یا صادق یا کاذب باشد - و نیز در مورد زوج‌های متناقض اعم از اینکه موضوع کلی است و گزاره به شیوه کلی است یا موضوع فردی است، یکی از دو گزاره باید صادق و دیگری کاذب باشد. درحالی که وقتی موضوع کلی است اما گزاره به شیوهی کلی است چنین ضرورتی وجود ندارد.

اما وقتی موضوع شخصی است و شامل حال ارتباط با آینده می‌شود وضع عوض می‌شود. زیرا اگر تمام گزاره‌ها - خواه ایجابی، خواه سلبی - یا صادق یا کاذب باشند پس هر محمولی باید یا به موضوع تعلق بگیرد یا تعلق نگیرد (آنگاه هر شیء یا موجود است یا غیرموجود). بنابراین اگر کسی تأیید کند که واقعه‌ای رخ خواهد داد و فرد دیگری انکار کند که آن واقعه رخ خواهد داد، آشکاراست که اظهار یکی از آن دو شخص مطابق با واقعیت خواهد بود و بیان شخص دیگر مطابق با واقعیت نخواهد بود. زیرا محمول به یک موضوع در زمان واحد و مشابه و در نسبت با آینده نمی‌تواند هم تعلق بگیرد و هم تعلق نگیرد.

(18b) بنابراین اگر ما در مورد شیئی بگوئیم که سفید است و این گفته صادق باشد آنگاه ضروری است که این شیء سفید باشد؛ اگر گزاره‌ی عکس صادق باشد ضرورتاً این شیء سفید نیست. به علاوه اگر این شیء سفید باشد گزاره‌ای که اظهار می‌کرد «این شیء سفید است» صادق بوده است و اگر شیء سفید نباشد گزاره‌ای که اظهار می‌کرد «این شیء سفید نیست» صادق بوده است. و اگر شیء سفید نباشد انسانی که اظهار می‌کرد «این شیء سفید است» گزاره‌ای کاذب وضع کرده است و از اینکه انسانی اظهار می‌کند شیء سفید است و باعث این گزاره کاذب شد، نتیجه می‌شود که شیء سفید نیست. بنابراین

ممکن است این گونه استفاده شود که ضروری است که یکی از ایجاب یا سلب، صادق یا کاذب باشد. اینک اگر این گونه باشد از روی اتفاق یا در حال یا در آینده هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد و هیچ امکان واقعی وجود ندارد و هر چیزی از روی ضرورت اتفاق می‌افتد و هر چیز ثابت است. زیرا یا کسی که تأیید می‌کند واقعه‌ای رخ خواهد داد یا کسی که انکار می‌کند واقعه رخ خواهد داد، مطابق با واقعیت است چون اگر واقعه‌ای از روی ضرورت اتفاق نیفتاد می‌تواند آزادانه همان طوری که اتفاق نیفتاد همان طور اتفاق بیفتد. زیرا معنی کلمه‌ی (اتفاقی) در خصوص وقایع حال یا آینده این است که موجودات به نحوی پایه‌ریزی شده‌اند که ممکن است در یکی از دو جهت مقابل به وجود آیند. به علاوه اگر یک شیء اکنون سفید است قبلاً گفتن این که «این شیء سفید خواهد بود» صادق بود. چون هرچیز که اتفاق افتاده است همیشه صادق بود که گفته شود (این هست) یا (این خواهد بود). اما اگر همیشه صادق بود که بگوئیم (این هست) یا (این خواهد بود) ممکن نیست که آن شیء نباشد یا در آینده نباشد و وقتی یک شیء نتواند هستی نپذیرد، ناممکن است که هستی نپذیرد و وقتی ناممکن است که هستی نپذیرد باید هستی بپذیرد، بنابراین تمام امور آینده باید از روی ضرورت اتفاق بیفتند بنابراین هیچ چیز، غیرقطعی و اتفاقی نیست زیرا اگر اتفاقی بود ضروری نخواهد بود.

در ضمن گفتن این که نه ایجاب و نه سلب صادق است - مثلاً بگوئیم یک واقعه نه اتفاق خواهد افتاد و نه اتفاق نخواهد افتاد - اتخاذ یک موضع غیرممکن برای دفاع است. در وهله‌ی اول لازم می‌شود که سلب ایجابی که کاذب است، غیرصادق باشد و ایجاب سلبی که کاذب است، غیرصادق باشد. (زیرا اگر ایجاب کاذب باشد، سلب صادق نخواهد بود و اگر سلب کاذب باشد، ایجاب صادق نخواهد بود.)

دوم آنکه اگر صادق بود گفتن اینکه «این شیء هم سفید و هم بزرگ است» آنگاه این کیفیات باید از روی ضرورت به آن شیء تعلق بگیرند و اگر آن کیفیات فردا به این شیء تعلق بگیرند، باید ضرورتاً فردا